بانوى آفتاب‏

شخصيت هر انسانى به مجموعه‏اى از ساختارهاى ظاهرى، عقل، عرفان باطنى، اصالت خانوادگى، نبوغ فكرى، ملكات اخلاقى و فضيلت‏هاى فرهنگى و علمى او بستگى دارد. به هر ميزان كه انسان، با همت و اراده قاطع خود در اكتساب فضايل و نفى رذايل بكوشد، به همان اندازه شخصيتى جذاب و بالنده خواهد داشت.

گرچه اسلام معيارهاى برترى را علم، تقوا، ايمان، جهاد در راه خدا و عمل صالح و خالص مى‏داند، ليكن نمى‏توان پرورش يك انسان را در «اصلاب شامخه و ارحام مطهّره» ناديده انگاشت. بدون شك كريمه اهل بيت، حضرت فاطمه معصومه (س) تمام درجات و ظرفيت‏هاى شخصيتى را در حد وجودى خويش در ابعاد فردى و اجتماعى احراز كرده بود. ورود روز افزون زائران از شهرهاى مختلف، حتى از كشورهاى خارجى و بركات مادى و معنوى آن بانو، به روشنى بيان‏گر اين حقيقت است.

ولادت

در تاريخ ميلاد حضرت معصومه (س)، ميان مورّخين اختلاف است. برخى از تاريخ نگاران، ولادت او را سال 173 و عده‏اى ديگر سال 183 ه . ق دانسته‏اند، اما در تاريخ وفات آن حضرت كه سال 201 ه . ق است، اختلافى وجود ندارد.(1)

مادر بزرگوار آن حضرت، نجمه خاتون از بانوان با فضيلتى بود كه در رحم پاكش امام رضا (ع) پرورش يافته است و پدر بزرگوارش، حضرت امام موسى كاظم (ع) مى‏باشد. آن حضرت فرزندان بسيارى داشت، اما از ميان آنها پس از حضرت امام رضا (ع)، حضرت معصومه (س) از شأن و مقام والايى برخوردار است.

جاى گاه و عظمت حضرت معصومه (س)

حضرت فاطمه معصومه (س) جاى گاه رفيعى نزد امامان بزرگوار دارد، به طورى كه حتى پيش از تولد او، از شأن و مقام و محل دفن و ثواب زيارت وى سخن گفته‏اند.

يكى از اصحاب امام صادق (ع) ماجراى عجيبى را بازگو مى‏سازد، وى مى‏گويد: بر امام ششم وارد شدم، ديدم با كودكى در گهواره صحبت مى‏كند. در حيرت فرو رفتم، عرض كردم: شما با طفلى كه در مهد است گفت و گو مى‏كنيد؟ فرمود: آرى، اگر تو هم مايل هستى بيا با اين نوزاد حرف بزن. من هم نزديك شدم، بر آن كودك سلام كردم، جواب سلام مرا داد. امام (ع) فرمود: فلانى اسمى را كه براى دخترت انتخاب كرده‏اى تغيير بده، زيرا خدا آن اسم را دوست ندارد (چند روز پيش خداوند متعال به من دخترى داده بود كه نامش را «حميرا» گذاشته بودم). اين پيش‏گويى بر بهت و حيرتم افزود. آن گاه فرمود: تعجب نكن، اين كودك، فرزندم موسى است. خداوند متعال از او دخترى به من عنايت مى‏كند كه نامش فاطمه مى‏باشد و در سرزمين قم دفن مى‏شود؛ هر كس او را زيارت كند، بهشت بر او لازم مى‏گردد.(2)

در باره ثواب زيارت حضرت معصومه (س)، امام موسى بن جعفر و على بن موسى الرضا و امام جواد - عليهم السلام - با تعبيرات گوناگون مطالبى فرموده‏اند كه در كلام آنها به زيارت كننده آن بانو تضمين بهشت داده شده است. در اين جا به يك حديث بسنده مى‏كنيم: «امام هشتم در ملاقات با سعد اشعرى فرمود: اى سعد! در پيش شما از ما قبرى است. عرض كردم: فدايت شوم مقصود شما قبر فاطمه دختر موسى بن جعفر (س) است؟ فرمود: بلى. سپس فرمود: ''من زارها عارفا بحقها فله الجنة؛ هر كس قبر او را زيارت كند و حقش را بشناسد و به مقام و منزلت وى آگاه باشد، پاداش او بهشت است‏``.»(3)

البته روشن است كه ضمانت بهشت براى زائر حضرت معصومه (س) و يا هر معصوم ديگرى، منوط به آن است كه زيارت با همه شرايطش صورت گيرد؛ يعنى زائر بايد به عمل صالح و اخلاص، آراسته باشد.

هجرت به ايران‏

هجرت آن بانوى عالى‏قدر از مدينه به ايران با توجه به مقامات علمى و عرفانى و بينش سياسى و اجتماعى او، فقط به منظور ديدار برادر و امامش نبود؛ بلكه هجرت او براى شكل‏گيرى مذهب تشيع و گسترش آن در ايران بود. حضرت معصومه (س) آمد تا انقلابى در جهت گسترش فرهنگ ولايت و امامت به وجود آورد و مردم هوش‏مند ايران را به مكتب تشيع متوجه سازد.

يكى از عوامل مهم گرايش ايرانيان به مكتب شيعه در قرن دوم و سوم، ورود حضرت رضا (ع) و ساير امام زادگان به ايران بوده است كه حركت تاريخى حضرت معصومه (س) به قم در رأس نهضت تبليغى آنان قرار دارد. سادات بنى الزهرا و علوى‏ها آيين اسلام را بر اساس مذهب شيعه تبيين و تبليغ مى‏نمودند و امامت را براى مردم روشن مى‏ساختند، از اين رو حكومت‏هاى وقت با آنان بدرفتارى مى‏كردند؛ چنان كه در باره حضرت معصومه (س) و گروه همراهش نوشته‏اند: هنگامى كه به نزديكى شهر ساوه رسيدند، مأموران مأمون با تمام احترام و اكرامى كه به حسب ظاهر براى امام هشتم و اهل بيت پيغمبر قائل بودند، با كاروان حضرت معصومه (س) و ياران همراهش درگير شده، آنان را از حركت به سوى خراسان باز داشتند. در اين هنگام بود كه جنگ خونينى ميان آنان رخ داد و عده زيادى از طرفين كشته و زخمى شدند. برخى از موّرخان نوشته‏اند كه 32 تن از همراهان حضرت معصومه (س) شهيد شدند و عده‏اى هم متوارى گرديدند و خود آن حضرت نيز از سوى زنى خائن مسموم شد. وقتى مريضى بر او عارض گرديد، از اطرافيان خود خواست تا او را به قم برسانند.(4)

سبط بن جوزى، مورّخ اهل سنت در تذكره‏اش مى‏نويسد: هنگامى كه امام هشتم در سال دويست هجرت از سوى مأمون به مرو دعوت شد تا مگر آتش قيام‏ها و نهضت‏هاى علوى‏ها را خاموش سازد، فاطمه معصومه (س) 21 سال داشت، ولى در ميان ساير دختران به قداست و علم و كرامت مشهور بود.

برخى علت ازدواج نكردن او را نبود همسرى هم كفو او مى‏دانند، ولى نگارنده بر اين باور است كه چون هارون حضرت موسى بن جعفر (ع) را غضب نمود و او را در زندان محبوس كرد، كسى جرأت نداشت با خانواده او وصلت كند، چرا كه مى‏ترسيدند از سوى مأموران خليفه تحت تعقيب قرار بگيرند. به همين دليل اغلب فرزندان آن حضرت در حال خفا و تقيه به سر مى‏بردند و جرأت نمى‏كردند خود را از تبار آل على (ع) معرفى كنند.

آرى، كسانى كه مورد قهر و غضب حكومت‏هاى ديكتاتورى قرار گيرند - اگر چه حكومت در ظاهر اسلامى باشد - از شر حاكمان در امان نخواهند بود، مگر اين كه خط فكرى نياكان خود را رها كنند و به حكومت وابسته شوند؛ همچون جعفر كذاب‏ها و اسماعيل بن جعفرها كه همواره مورد احترام حكومت‏هاى جبار زمان خويش قرار داشتند. بر همين اساس بود كه برخى از ائمه دين گاهى در مجالس علنى، از بزرگان صحابه خود تبرّى مى‏جستند و به آنان لعن و نفرين مى‏كردند تا بدين وسيله جان و مال و فرزندانشان در امان بمانند.

حكومت‏هاى بنى اميه و بنى عباس ظلم‏هاى فراوانى را در حق نسل و ذريه پيغمبر روا داشتند، آنان را آواره كرده، مورد شكنجه قرار دادند و بسيارى را نيز به شهادت رساندند. البته در اين ميان كسانى بودند كه با افشاگرى‏هاى خود، مردم را از ظلم‏ها و آزار و اذيت‏هاى خلفاى بنى اميه و بنى عباس آگاه مى‏كردند. يكى از آنها، دعبل خزاعى بود. هنگامى كه حضرت رضا (ع) به خراسان آمد، وى قصيده پر شورى در مصايب اهل بيت (ع) سرود و به قصد مرو عازم خراسان گرديد. ابوصلت هروى مى‏گويد: دعبل به حضور امام هشتم شرف ياب شد و عرض كرد: يا بن رسول الله! قصيده‏اى در باره شما سروده‏ام و با خدا عهد كرده‏ام كه قبل از شما براى احدى قرائت نكنم. حضرت فرمود: بخوان.

اين قصيده، مفصّل است و فقط به مواردى اشاره مى‏كنيم كه در باره آوارگى و آزار و اذيت‏هاى حكومت‏هاى جور نسبت به اهل بيت پيامبر (ص) است:

- آموزش‏گاه‏هاى آيات خدا (ائمه اطهار) از تدريس خالى شده است و مركز نزول وحى همچون صحراى بى آب و علف، از رونق افتاده است.

- خانه امام على (ع) و امام حسين (ع) و جعفر بن ابى طالب و حمزه سيد الشهدا و امام سجاد (ع)، صاحب نفس‏هاى گرم و پاك، خالى شد.

- اى فاطمه زهرا برخيز و براى ستارگان آسمان ولايت كه در سرزمين كربلا روى زمين افتاده‏اند، گريه كن.

- گروهى از فرزندانت در كوفه و گروهى در مدينه و برخى در مكه زير خاك نهانند، درود خدا بر آنان باد.

- و قبرى هم در بغداد است كه مخصوص نفس تزكيه شده؛ يعنى موسى بن جعفر است كه خداى رحمان او را در جاى‏گاه رفيعى در بر گرفته است.

- قبرهايى از جگرگوشه هايت نيز در كنار فرات در كربلا واقع شده است.

- اى فاطمه! اگر بدن حسينت را برهنه و خونين مى‏ديدى كه در كنار آب فرات شهيد شده است، سيلى به صورت مى‏زدى و از ديدگانت اشك بر چهره‏ات جارى مى‏شد.

در اين هنگام امام هشتم و حاضران گريستند. حضرت فرمود: پيوسته مورد تأييد روح القدس باشى، آيا مايلى يك رباعى هم من بر اشعارت بيفزايم؟ دعبل گفت: افتخار مى‏كنم. فرمود:

- و قبرى هم در سرزمين طوس است، چقدر مصيبت كه اعماق وجود انسان‏ها را مى‏سوزاند.

- تا روزى كه خدا قائم ما را مبعوث نمايد؛ در آن روز، غم و غصه را از دل‏هاى ما برطرف خواهد كرد.(5)

فرزندان و اصحاب ائمه اطهار براى تبليغ مرام تشيع، در ايران، عراق و عربستان سعودى پراكنده شدند و حضرت فاطمه معصومه (س) نيز قم را انتخاب نمود تا شيعه مركزيتى پيدا كند، زيرا از آباى گرامى‏اش شنيده بود كه فرمودند: ان لله حرما و هو مكه و ان لرسول الله حرما و هو مدينه و انّ لاميرالمؤمنين حرما و هو كوفة و انّ لنا حرما و هو بلدة قم؛(6) براى خدا حرمى است و آن مكه مى‏باشد و براى پيغمبر (ص) حرمى است و آن مدينه مى‏باشد و براى على (ع) حرمى است و آن كوفه مى‏باشد و براى ما اهل بيت حرمى است و آن قم مى‏باشد»، چرا كه قم پايگاه معارف اهل بيت و شيعيان است. گفته‏اند كه قم كانون علم و اخلاق مى‏شود و علوم اسلامى از اين شهر به ساير كشورهاى جهان صادر مى‏گردد، به طورى كه: «لا يبقى مستضعف فى الدين حتى المخدرات فى وراء الحجاب؛ تمام مسلمان‏ها و حتى زن‏هاى پشت پرده به وظايف دينى خود آشنا مى‏گردند و حجت بر همگان تمام مى‏شود.»

ورود به قم و وفات‏

وقتى خاندان سعد خبر ورود آن بانوى كريمه را به قم شنيدند، همگى به استقبال او رفتند و از ميان آنها موسى بن خزرج كه در تقوا و پاكى نامور بود، زمام ناقه را در دست گرفت و آن حضرت را به سوى منزلش راهنمايى كرد. وى هفده روز با كمال افتخار از آن بانو پذيرايى مى‏كند، اما خوش حالى مردم قم و خاندان سعد دوام نمى‏يابد و حضرت معصومه (س) به ديار باقى مى‏شتابد.

آن حضرت در طول اين هفده روز، در سراى موسى بن خزرج عبادتگاهى داشت كه امروزه آن مكان شريف به يادگار مانده است. در آن سراى بزرگ، حجره هايى مخصوص طلاب علوم دينى ساخته شده است و در كنار آن مسجد با شكوهى بنا كرده‏اند.(7)

با وجود اين همه عظمت و علوّ مقام، متأسفانه شخصيت ملكوتى و سياسى و اجتماعى حضرت معصومه (س) هنوز ناشناخته مانده است. تأسف بيشتر آن جاست كه بعضى از زائران به مسجد جمكران مى‏روند، اما به زيارت دختر موسى بن جعفر (س) مشرّف نمى‏شوند؛ در صورتى كه در زيارت نامه وى مى‏خوانيم: «يا فاطمة اشفعى لى فى الجنة فان لك عند الله شأنا من الشأن؛ اى فاطمه! مرا در بهشت شفاعت كن، چرا كه نزد خداوند شأن و مرتبه‏اى بلند دارى». اين كار علاوه بر محروم كردن خود از فيوضات و بركات زيارت مشاهد مشرّفه، نوعى جفا به مقام آن بانوى بزرگوار و خاندان اهل بيت عصمت و طهارت است.

پي نوشت ها:

1) عبدالوحيد وفائى، سيماى قم، ص 75.

2) منهاج الدموع، ص 441 ؛ به نقل از: محمدمحمدى اشتهاردى، زندگينامه حضرت معصومه، ص 84.

3) سفينة البحار، ج 2، ص 376؛ به نقل از: محمدمهدى اشتهاردى، زندگينامه حضرت معصومه، ص 87 - 86.

4) قيام سادات علوى، ص 167 و 168 ؛ الحياة السياسيه للامام الرضا، ص 428.

5) به نقل از: محمدمهدى اشتهاردى، زندگينامه حضرت معصومه، ص 62 - 59.

6) انوار المشعشعين، ص 111.

7) برداشت از: عبدالوحيد وفائى، سيماى قم، ص 78 - 77.